

در نظام سرمایه داری وابسته ایران، جانی که دیکتاتوری عربان، روبنای ذاتی این نظام را تشکیل می دهد و کوچکترین خواستها و مطالبات عادلانه مردم با گلوله و سرکوب پاسخ می گیرد، سخن راندن از انتخابات آزاد و دموکراتیک و حق رای و مشارکت توده ها در تعیین سرنوشت خویش جز یک پندار پوچ و فریکارانه چیز دیگری نیست.

## آیا تخلیه شهری های یهودی در نوار غزه قدمی در راه صلح است؟

دولتهای امپریالیستی بستن ۱۴ شهرک اسرائیلی نشین و خروج سربازان محافظ آنها از نوار غزه و خراب کردن ۴ شهرک کوچک اسرائیلی نشین در ساحل غربی را به عنوان نشانه های صلح طلبی دولت اسرائیل قلمداد نموده و آنرا قدم های مهمی جهت ایجاد دولت مستقل فلسطینی وانمود کردند. مخالفت شدید نیروهای راست اسرائیلی با اقدامات دولت شارون نیز زمینه را جهت پذیرش این ادعاهای دروغین آماده تر ساخته است. اما هنوز ۸۰۰۰ یهودی ساکن نوار غزه از آن منطقه خارج نشده بودند که دولت اسرائیل اعلام کرد که شهرک های یهودی ساحل غربی و اورشلیم شرقی را گسترش خواهد داد.

( ادامه در صفحه ۳ )

نیروی نظامی اعزام شده به منطقه با ورود خود به نواورلثان فوری آن محل را به میدان جنگی در داخل خاک آمریکا تبدیل کردند. این بزرگترین و بی سابقه ترین بسیج نظامی در داخل خاک آمریکا و در تاریخ معاصر این کشور بوده است.

در اولین اقدام، سربازان با تفنگ های سرنیزه دار به جستجوی خانه به خانه و تخلیه اجباری ده ها هزار ساکنین فقیر شهر پرداختند. علیرغم اینکه چهار روز از نیمه ویران شدن شهر بر اثر طوفان می گذشت و بیش از آن مردم در خیابان ها به حال مرگ رها شده بودند، گارد ملی لوئیزیانا هنوز ورود کمک های غذایی و پزشکی را به شهر ممنوع کرده بود.

( ادامه در صفحه ۲ )

احمدی نژاد را انتخاب مردم آنهم مردم فقیر و تهیدست قلمداد کردن درست حکایت همین داستان است. چون اولاً بخش بزرگی از مردم ایران که اکثراً هم زحمتکش هستند اساساً در مضحکه انتخاباتی فوق الذکر شرکت نکردند و ثانیاً در این به اصطلاح انتخابات آنقدر تقلب شد که اصلاً معلوم نیست که چه کسی به چه کسی رای داده و اساساً تقلب در این شعبده بازی انتخاباتی به حدی بود که حتی صدای خود کله گنده های جمهوری اسلامی هم درآمد و کار به آنجا رسید که رفسنجانی از دست این تقلبات به "خدای خود" پناه برد و کروی مدعی شد که در حالیکه نفر اول بوده با جا به جا کردن آرا، او را نفر سوم و احمدی نژاد را نفر دوم کرده اند.

( ادامه در صفحه ۲ )

## احمدی نژاد "منتخب مردم" یا نماینده طبقه حاکم؟

نژاد بر رفسنجانی، "نان" بر "آزادی" پیروز شد و یا انتخاب احمدی نژاد انتخاب مردم جنوب شهر بود تکرار می کنند. این واقعیت یادآور حکایت قدیمی است که کسی می گفت "خسن و خسین دختران معاویه بودند" و در پاسخ اش گفتند که اولاً خسن نبود حسن بود ثانیاً خسین نبود حسین بود ثالثاً دختر نبودند پسر بودند و رابعاً پسران علی بودند و ربطی به معاویه نداشتند.

تلاش گسترده برخی از مطبوعات غرب جهت اینکه مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی را انتخاباتی به هر حال قابل قبول جا زده و بدتر از آن احمدی نژاد را "منتخب" مردم فقیر و زحمتکش قلمداد نمایند، با همصدائی برخی از افراد و جریانات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی مواجه شده است. جریانات و افراد نامبرده، آن تبلیغات به غایت نادرست و فریکارانه را با جملاتی از این قبیل که گویا با پیروزی احمدی



## بزرگترین صحنه جنگ در داخل خاک آمریکا

اکثریت توده ها مرکب از افراد زحمتکش همچنان در آن منطقه بودند که وقوع طوفان کاترینا زندگی آنها را با مصائب زیادی مواجه ساخت. بعد از وقوع طوفان کاترینا، حدود ۶۵۰۰۰ سرباز به نواورلثان اعزام شدند اما این نیرو نه برای کمک به مردم آسیب دیده بلکه برای کنترل منطقه و ایجاد به اصطلاح "نظم" برای سرمایه داران و صاحبان ثروت به آنجا رفتند.

انجامید، انعکاس این واقعیت است که پشت هر ثروت عظیمی جنایاتی عظیم نهفته است و انباشته شدن ثروت عظیم سرمایه داران به قیمت ویرانی جامعه می باشد. با توجه به اینکه بیشتر امکان وقوع طوفان در نواورلثان اعلام شده بود، صاحبان ثروت و بیشتر کسانی که به هر حال از امکانات لازم برای تخلیه منطقه برخوردار بودند خانه های خود را ترک کرده بودند اما هنوز

وقتی که طوفان کاترینا از سدهای نواورلثان گذر کرد و هزاران کشته به جا گذاشت، بار دیگر بی تفاوتی سیستم سرمایه داری در مواجهه با مرگ انسان ها، و ناتوانی این سیستم در مبارزه با فجایع طبیعی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی به اثبات رسید. این که فاجعه نواورلثان به دلیل طمع و فساد قدرتمندان آمریکا به مرگ هزاران بیگناه



## نواورلنان بزرگترین صحنه جنگ در داخل خاک آمریکا

بقیه از صفحه ۱

گارد لوئیزیانا اعلام کرده بود که فقط بعد از ورود نیروهای نظامی کمکی از مناطق دیگر و تحت کنترل کامل در آوردن این شهر، ورود مواد مورد نیاز مردم آزاد خواهد شد. اما بعد از ورود ارتش به شهر نیز هنوز از کمک های دارویی و غذایی خبری نبود چرا که ارتش نیروهایش را روی تخلیه شهر و حفظ ثروت سرمایه داران متمرکز کرده بود. ارتش، وقتی راه های ورود به شهر را باز کرد که شهر تقریباً خالی از سکنه شده بود و آنچه وارد شهر می شد تجهیزات لجستیکی ارتش و غذا و آب برای سربازان بود.

گزارشات زیادی در مورد جلوگیری از ورود مواد غذایی و پوشاک و دارو به شهر، در رسانه ها منتشر شد. به عنوان مثال یکی از کشیش های شهر به خبرنگاران گفت که شاهد بوده است که سربازان از ورود کامیون های آب آشامیدنی به شهر خودداری کردند و بسیاری از بچه ها و افراد مسن از شدت تشنگی و خشک شدن آب بدنشان مردند. او همچنین گفت که ارتش خطوط تلفن های اضطراری را قطع کرد و رئیس پلیس شهر مجبور شد آنها را وصل کند و چند پلیس مسلح را هم به نگهبانی بگمارد که سربازان آنها را دوباره قطع نکنند. اگر چه تعدادی تیم پزشکی و هلیکوپتر نیز همراه با ارتش وارد شهر شدند، اما عمده ترین وظیفه و عملکرد ارتش محافظت از اموال خصوصی سرمایه داران بود. خبرنگاران گزارش های متعددی از دستگیری مادرانی داده اند که با غذا و پوشاک بچه از فروشگاه ها ی سیل زده خارج می شدند. دولت اعلام کرده است که بازداشت شدگان به پایگاه نظامی "قلعه پالک" فرستاده شده اند.

عملکرد دولت آمریکا در نواورلنان از برخی جهات با حمله نظامی آن به کشورهای دیگر شباهت داشت. نواورلنان به صحنه جنگ میان مردم گرسنه و بی پناه و دولت حامی سرمایه داران تبدیل شده بود و عملاً در حکومت نظامی به سر می برد و دولت با مردم شهر به عنوان تروریست رفتار می کرد. روزنامه های محلی به طنز، فرمانده حکومت نظامی (ژنرال آنر) را "جان وین" و مردم شهر را "سرخپوستان" نامیدند.

دولت اعلام کرد که تخلیه اجباری مردم از شهر به دلیل جلوگیری از شیوع بیماری های

واگیردار (مثل وبا) و همچنین آسانتر کردن پروسه پاکسازی بوده و چون مردم حاضر به خروج داوطلبانه نبودند، سربازان مجبور شدند به زور سرنیزه، آنها را از خانه هایشان بیرون کنند. اما اینها ادعاهای دروغی بیش نیستند. ماندن تعداد زیادی از خانواده های کم درآمد در شهر به این دلیل نبود که نمی خواستند به محل امنی بروند. عدم خروج به موقع آنها از شهر به این دلیل بود که آنها بسیار فقیر بودند و وسیله ای برای فرار از طوفان نداشتند. بسیاری از آنها نیز بیماران و سالخورده گانی بودند که قادر به نجات دادن خودشان نبودند و از طرف دولت هم به آنها کمکی نشد.



فرمانده گارد ملی لوئیزیانا در این مورد گفت: "کار ما یک عملیات جنگی برای تحت کنترل کامل در آوردن شهر بود. هدف ما باز پس گرفتن شهر بود، شهری که تبدیل به یک سومالی کوچک شده بود." او در مورد حمله ارتش به ساختمان بزرگ نمایشگاه شهر که به پناهگاهی برای مردم طوفان زده تبدیل شده بود، با افتخار گفت: "در ابتدا این ساختمان را محاصره کردیم و منتظر رسیدن نیروهای کمکی شدیم. بعد از رسیدن قوای کمکی به آنجا حمله کردیم." این جملات شبیه به گزارش هایی است که از "پاکسازی" شهرهای عراق داده می شد. یکی از فرماندهان گارد ملی آمریکا خطاب به خبرنگاران گفت: "سربازان گارد ملی که چند روز پس از بازگشتشان از عراق به نواورلنان فرستاده شدند، در استفاده از ابزار و آلات جنگی بسیار تعلیم دیده هستند." فرماندار لوئیزیانا نیز در این مورد گفت: "آنها سرتا پا مسلح هستند و می دانند که چگونه از ام-۱۶ به قصد کشتن استفاده کنند."



چند ماه پیش، وقتی طرح های ارتش برای پیاده کردن

عملیات جنگی در شهرهای مختلف آمریکا در رسانه های آمریکایی افشاء شدند، دولت ادعا کرد که هدف آن نقشه های جنگی، مبارزه با تروریسم در داخل خاک آمریکا بوده است. اما ظاهراً دولت آمریکا در جریان طوفان کاترینا کارایی این نقشه های جنگی را روی مردم لوئیزیانا آزمایش کرد و نشان داد که در صورت نیاز در آینده نیز برای سرکوب نارضایتی های مردم آمریکا، از توسل به اینگونه عملیات نظامی نیز دریغ نخواهد کرد.

استادیوم ورزشی شهر که به عنوان پناهگاه در نظر گرفته شده بود برق نداشت و مملو از افراد بیمار و گرسنه و بدون آب و غذای کافی بود و اجساد زیادی در داخل و خارج آن افتاده بودند. حدود ۴۰۰۰۰ نفر در خارج استادیوم برای دریافت کمک منتظر هلیکوپترها بودند. برخی از افراد ناامیدانه اقدام به خودکشی کردند. مردی بعد از شنیدن خبر نابود شدن خانه اش، خود را از بالکن استادیوم پرت کرده و خودکشی کرد. هیچکس حق خروج از استادیوم را بدون کسب اجازه نامه کتبی از ارتش نداشت. اما در نزدیکی استادیوم، هتل "حیات" قرار دارد که پولدارها در آنجا اسکان یافته بودند و از بهترین غذاها و امکانات مختلف و نگهبان های مسلح برخوردار بودند. این نگهبان ها از ورود فقرا به هتل و به خطر افتادن امنیت ثروتمندان جلوگیری می کردند. (به نقل از گزارش خبرنگاری به نام گوردن راسل). در ۲ بیمارستان دولتی شهر برق و غذا و آب و داروی کافی برای ۳۶۰ بیمار وجود نداشت و پزشکان به خبرنگاران گفتند که از آب قند برای تغذیه بیماران استفاده می کردند. راهروها نیز مملو از اجساد شده بودند و پزشکان بیمارستان ترجیح دادند که بیماران را به پشت بام بیمارستان برده و در آنجا از آنها مراقبت کنند. اما یک بیمارستان خصوصی شهر توانست ۱۰۰۰ بیمار ثروتمندش را به موقع با هلیکوپتر به بیمارستان های شهرهای دیگر منتقل کند.

با اینکه وقوع طوفان کاترینا حادثه ای طبیعی و اجتناب ناپذیر بود، اما ابعاد عظیم تلفات جانی و مالی آن طبیعی نبوده و معلول عملکرد دولت سرمایه دار آمریکا بود. این واقعیت را مردمی که عزیزانشان و خانه و زندگیشان را در طوفان از دست دادند به خوبی می دانند. به این دلیل است که وقتی بوش برای ظاهرسازی به آلاباما و لوئیزیانا رفت، مجبور شد که از ترس خشم مردم در محاصره تعداد زیادی از محافظین خود قرار بگیرد. او فقط با چند

مقام محلی صحبت کرد و در جمع مردم حاضر نشد. او حتی پاسخ قانع کننده ای برای خبرنگارانی که می پرسیدند چرا ثروتمندترین کشور دنیا نمی تواند احتیاجات اولیه مردمش را تأمین کند، نداشت.



صحنه های رنج و ناامیدی و فقر مردم و فساد و آلودگی دستگاه دولتی آمریکا در میان خرابه های به جا مانده از نواورلنان، چهره واقعی آمریکا را به عنوان کشوری با عمیق ترین اختلافات طبقاتی، به وضوح نشان داد. این صحنه ها نشان دادند که آمریکا کشوری است با فاسدترین طبقه حاکمه که هیچگونه آگاهی و مسئولیتی در قبال واقعیات اجتماعی ندارد، کشوری که میلیون ها شهروند زحمتکش و فقیر آن از نظر طبقه حاکمه، کالاهای بی ارزشی محسوب می شوند که از هر نوع حقوق انسانی و اجتماعی بی بهره هستند، کشوری که مردم زحمتکش آن هنگام وقوع فجایع طبیعی و یا غیرطبیعی نمی توانند به سیستم کمک رسانی دولتی متکی باشند.

نگاهی به جنایات امپریالیسم آمریکا در عراق و تحقیر زندگی و جان انسان ها در جریان طوفان کاترینا، خصلت ضد بشری سیستم سرمایه داری را به وضوح آشکار می کند. عملکرد دولت آمریکا در جریان طوفان کاترینا، همانند اشغال نظامی عراق، عملکردی کاملاً جنایتکارانه بود. میان فجایعی که در عراق و در جریان طوفان کاترینا بوجود آمد ارتباط مستقیمی وجود دارد. برخی از مسئولین لوئیزیانا یک ماه قبل از وقوع طوفان، هشدار داده بودند که به علت انتقال تجهیزات و ماشین آلات مخصوص عملیات نجات به عراق، آمادگی مقابله با حوادثی مثل سیل و طوفان و نجات به موقع ساکنین شهرها وجود ندارد.





# آیا تخلیه شهرک های یهودی در نوار غزه قدمی در راه صلح است؟

بقیه از صفحه ۱

این واقعیت نشان می دهد که دولت اسرائیل با تخلیه شهرک های یهودی نشین نوار غزه تنها قصد ایجاد گرد و غباری برای رسیدن به هدف خود را داشته است. آنها برای اینکه بتوانند زمین های بسیار بیشتری را در ساحل غربی اشغال و آنها را به طور قانونی تثبیت کنند، به چنین تاکتیکی متوسل شده اند. باید دانست که این زمین ها حدود ۴۰ سال است که با شیوه های جنایتکارانه و نقض قوانین و معاهده های بین المللی توسط دولت اسرائیل غصب شده اند.

اقدامات اخیر دولت اسرائیل در جهت آماده سازی صحنه برای به ثمر رساندن تلاش های طولانی مدت اسرائیل در ایجاد یک اسرائیل بزرگ با اتصال کامل و همیشگی زمین های غصب شده در جنگ ۱۹۶۷ به یکدیگر می باشد. از جنگ های سال ۱۹۶۷ تا کنون مرتباً بر تعداد مناطق یهودی نشین ساحل غربی و شرق اورشلیم اضافه شده است. تعداد یهودیان این مناطق (که در ۱۹۶۷ صفر بود) به تقریباً ۲۵۰۰۰۰ نفر (یعنی ۱۰ درصد کل جمعیت) در سال جاری رسیده است و آنها صاحب اکثر زمین های منطقه و بخصوص حاصلخیزترین آنها می باشند. تا اواخر پائیز حدود ۸۰۰۰ نفر از یهودیان نوار غزه نیز به اورشلیم و هبران نقل مکان خواهند یافت.

برای اینکه به نتایجی که اقدامات اخیر دولت اسرائیل برای فلسطینیان دارد، پی ببریم باید این اقدامات را در زمینه شرایط موجود و دیگر اقدامات اسرائیل و وضعیت مناطق فلسطینی نشین در نظر بگیریم.

در حال حاضر ۲۲۳ شهرک یهودی نشین حفاظت شده توسط دولت وجود دارند که هیچ فلسطینی حق عبور از آنها را ندارد. علاوه بر آنها حدود ۱۵۰ شهرک یهودی روی تپه ها ساخته شده اند که حتی طبق قوانین اسرائیل نیز غیر قانونی محسوب شده و جواز ساختمان ندارند. البته همه آنها به طور مخفیانه توسط اعضاء دولت اسرائیل حمایت مالی شده اند. به عنوان مثال فاش شده است که وزیر مسکن اسرائیل ۴۰۰ خانه متحرک را به یک سرمایه دار یهودی داده است که شهرکی در



بنابراین تخلیه یهودیان از نوار غزه، در شرایطی که عملاً نوار غزه از ساحل غربی به طور کامل جدا شده است، نوار غزه را تبدیل به منطقه ای مستقل نخواهد کرد. دولت اسرائیل مرزهای غزه با مناطق و کشورهای دیگر را (مثل مرز مصر)، و همچنین منابع آب های شیرین، فرودگاه ها و دیگر منابع و امکانات ارتباطی را در کنترل خود نگه داشته و به عنوان نیرویی اشغالگر در منطقه باقی خواهند ماند. فلسطینیان ساکن نوار غزه به طور کامل از دیگر مناطق کشور جدا شده و از همه نظر حتی از نظر ارتباط با دیگر مناطق جهان، وابسته به دولت اسرائیل خواهند بود. با جدا شدن کامل آنها از دیگر مناطق جهان، اقتصاد ضعیف آنها دچار مرگ تدریجی خواهد شد. هم اکنون نیز فلسطینیان غزه قادر به رساندن تولیدات کشاورزی و صنعتی خود به دیگر مناطق نیستند.

به این ترتیب روشن است که خارج کردن یهودیان از نوار غزه نه تنها نشانه صلح طلبی دولت اسرائیل نیست، بلکه به نفع دولت اسرائیل در جنگ های آینده و آسان تر کردن حمله به فلسطینیان آن مناطق می باشد. هر زمان که دولت اسرائیل اراده کند که به مناطق عرب نشین حمله نماید، می تواند به راحتی و بی دردسر تانک ها و هواپیماهایش را به منطقه سرازیر کند و دیگر یهودی ای نیز در آنجا وجود نخواهد داشت که ارتش اسرائیل مجبور شود برای حفظ جان آنها حملات هوایی و زمینی خود به فلسطینیان را محدود کند.

تخلیه نوار غزه بهترین حرکت تاکتیکی به نفع طرح های استراتژیکی آینده دولت اسرائیل بود. با فدا کردن شهرک های یهودی نشین در نوار غزه، دولت اسرائیل توانست حمایت آمریکا را برای گسترش مناطق یهودی در ساحل غربی و اورشلیم شرقی جلب کند.

زمین های خصوصی خود ایجاد کند. شارون که امروز ادعای طلع طلبی دارد در سال ۱۹۹۸ یهودیان را تشویق کرد که روی هر تپه ای شروع به ساختمان کنند و پست های نظامی نیز برای حفاظت از این شهرک ها برقرار نمایند.

دولت اسرائیل شبکه وسیعی از اتوبان ها و جاده های کمربندی را نیز در حال ساخت دارد که همه شهرک های یهودی را به هم وصل می کنند. دولت اسرائیل اعلام کرده است که دهکده ها و زمین های کشاورزی فلسطینیان در حاشیه این جاده ها را برای جلوگیری از حملات چریکی نابود خواهد کرد. ایجاد این شاهراه ها موجب قطع ارتباط شهرهای فلسطینی با یکدیگر شده است و به عنوان مثال یک فلسطینی که سابقاً می توانست در عرض ۱۵ دقیقه از راملا به اورشلیم برود، امروز همان راه را باید ساعت ها طی کند و آخرش هم معلوم نیست که بعد از عبور از صدها پست نظامی اسرائیلی بتواند سالم به مقصد برسد. در نتیجه ساحل غربی به مناطق تکه تکه شده کوچک و جدا از هم تبدیل شده که به آسانی توسط دولت اسرائیل قابل کنترل می باشند. شهر اورشلیم نیز با ایجاد محلات متعدد یهودی نشین، توسعه یافته و شرق اورشلیم و زمین های اطراف در ساحل غربی را نیز در بر گرفته و بدین طریق اورشلیم شرقی توسط محلات یهودی نشین محاصره شده است. وقتی که طرح جدید اورشلیم تکمیل شود، ۱۶۰۰۰ فلسطینی ساکن اورشلیم از بقیه ساحل غربی به طور کامل جدا خواهند شد. در حال حاضر نیز رفت و آمد فلسطینیان ساکن ساحل غربی به اورشلیم که مرکز امکانات فرهنگی اجتماعی پزشکی و علمی آنها است، تقریباً غیر ممکن شده است. هدف اسرائیل نیز تصفیه کامل اورشلیم از فلسطینیان است.

## احمدی نژاد "منتخب مردم" یا نماینده طبقه حاکم؟

بقیه از صفحه ۱

بالای ۱۸ سال خواهد ریخت؟ بنابراین با چنین حساب هایی کروی را نیز می شود "نماینده" مردم تهیدست قلمداد کرد و باز با تاکید پرسید پس چرا مردم به او رای ندادند؟! رایعا، اساساً انتخاباتی در کار نبود که حال کسانی می کوشند احمدی نژاد را "انتخاب" مردم آنهم مردم زحمتکش جا بزنند. آنچه روی داد

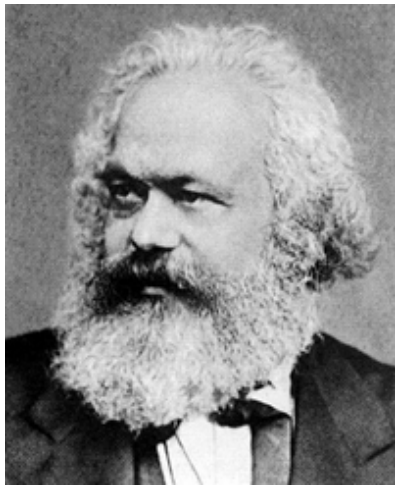
خلاصه کار تقلب به حدی زیاد بود که خودشان هم می گویند در مدت کوتاهی بیش از یک میلیون رای جا به جا شده است. ثاباً اگر معیار طرفداری تهیدستان از احمدی نژاد را قول او مبنی بر آوردن پول نفت سر سفره مردم جا زده شود پس چرا کروی رای نیاورد که وعده داده بود ماهانه ۵۰ هزار تومان توی جیب هر ایرانی

"معجزه" ولی فقیه، سید علی خامنه ای، را متحقق ساخت. به واقع تنها چیزی که در "انتصاب" او نقش نداشته همانا رای و اراده مردم فقیر و زحمتکش می باشد که سالهاست نابودی همه دسته بندی های جمهوری اسلامی را فریاد می زنند؛ و تحقق خواست های آنان آزادی را برای همه مردم ایران به ارمغان خواهد آورد. فراموش نباید کرد که کارگران و زحمتکشان مدافعین راستین آزادی در ایران هستند از آزادی بیان و اجتماعات گرفته تا آزادی در انتخاب چگونه پوشیدن و زیستن و غیره. ■

در واقع یک انتصاب ساخت بیت رهبری بود که طی آن رهبر جمهوری اسلامی با خواندن وردی، یکی از مزدورانش را از آستین بیرون آورد تا نقش "ندارکاتچی" دولت آینده اش را به او بسپرد!

بنابراین، احمدی نژاد نه دختر معاویه که پسر "علی" است آنهم "سیدعلی". او نه نماینده مردم بلکه نماینده طبقه حاکمه و منتخب جناح حاکم این طبقه است. جناحی که جهت رئیس جمهور کردن او از هیچ تقلبی دریغ نورزید و با آوردن نیروهای سپاه پاسداران و بسیج به صحنه،





## کارل مارکس بزرگترین فیلسوف تاریخ

بر اساس یک نظر سنجی که اخیراً بوسیله کانال ۴ رادیو بی بی سی صورت گرفت، کارل مارکس "بزرگترین فیلسوف تاریخ" شناخته شد. در این نظر سنجی ۲۸ درصد شرکت کنندگان به مارکس رای دادند.

## "پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

تحلیلی از اوضاع ایران اعلام نمود: "ایران در یک وضعیت پیش از انقلاب قرار ندارد و به نظر نمی رسد رژیم در آینده ای نزدیک تغییر کند".

## گسترش درگیری های نظامی در کردستان

به گفته رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی، از ابتدای سال جاری تا کنون ۱۲۰ تن از مامورین جمهوری اسلامی در درگیری های مسلحانه با گروه های مسلح اپوزیسیون در کردستان کشته شده اند. همین مقام رژیم در رابطه با سرکوب اعتراضات توده ای ماه گذشته در شهرهای کردستان اضافه کرد که ۱۹۰ نفر توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده اند. در ماه های اخیر بر ابعاد درگیری های مسلحانه بین گروه ها و سازمان های کرد از یک سو با نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی در مناطق کردستان اضافه شده است. در همین رابطه مقامات رژیم اعلام کردند که در نزدیکی شهر سردشت در تاریخ ۲۶ مرداد ماه یک خودروی نیروهای نظامی با مینی که "گروه پژاک" کار گذاشته بود برخورد کرده که در نتیجه یکی از نیروهای رژیم کشته و ۵ نفر دیگر مجروح شدند.

## نئواورلئان

## بزرگترین صحنه جنگ در داخل خاک آمریکا

بقیه از صفحه ۲

طبق گفته متخصصین، کارایی نداشتن سدهای نئواورلئان و زیر آب رفتن ۸۰ درصد شهر به دلیل کاهش بودجه های اضطراری و تخصیص آنها برای جنگ بوده است. بر خلاف ادعای دروغ بوش که گفته است هیچکس از وجود ایرادهای فنی سدها اطلاع نداشته، مهندسین نئواورلئان از سالها پیش در مورد شرایط جغرافیایی خاص لوئیزیانا و کافی نبودن امکانات و بودجه برای تعمیر این سدها، و در مورد خطراتی که آن شهر را تهدید می کرد هشدار داده بودند. یکی از واقعیات غم انگیز این است که هزاران خانواده فقیر لوئیزیانا که جان و مالشان را در طوفان کاترینا از دست دادند، پیش از این نیز جوانانشان برای کشته شدن به عراق فرستاده شده بودند.

حمله تجاوزگرانه و غارتگرانه آمریکا به عراق و قطع بودجه خدمات اجتماعی در داخل آمریکا و کمک های مالیاتی به سرمایه داران بزرگ، دو روی یک سکه هستند. سیاست های خارجی و داخلی آمریکا، همه در خدمت الیگارشی مالی و علیه طبقات زحمتکش آمریکا و جهان می باشند. در نتیجه تراژدی نئواورلئان تراژدی سیاسی و اجتماعی بود، نه حادثه ای طبیعی.



## اعدام مبارز کرد، جنایت تازه جمهوری اسلامی

در هفته های اخیر رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جنایتی تازه آفرید و یکی دیگر از زندانیان سیاسی کرد در مهباد به نام اسماعیل محمدی را به اتهام فعالیت برای سازمان کومله به جوخه مرگ سپرد. اسماعیل محمدی اهل بوکان بود و از سال ۱۳۸۱ به اتهام عضویت در کومله در سیاهچال های جمهوری اسلامی بسر می برد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با اعدام این مبارز کرد آن هم بلافاصله پس از خیزش های قهرمانانه توده ها در شهر های کردستان، یک بار دیگر ماهیت ضد خلقی خود را به نمایش گذارد. این رژیم با ارتکاب به جنایت فوق یک بار دیگر نشان داد که تنها با اتکا به بگبر و بیند و شکنجه و کشتار و اعدام قادر به حفظ پایه های حکومت پوسیده و دیکتاتوری خویش بر علیه توده های ستمدیده می باشد.

## مطبوعات غرب

## و مساله

## جمهوری اسلامی

در چارچوب تشدید تضادهای فی ما بین جناح های مختلف امپریالیستی در مورد پرونده هسته ای جمهوری اسلامی و چگونگی برخورد با این رژیم، اخیراً روزنامه "ساندی تایمز" چاپ لندن نوشت که با آغاز ریاست جمهوری احمدی نژاد، منابع اطلاعاتی دولت آمریکا با انتشار یک تحلیل اطلاعاتی اعلام نموده اند که "ایران تا یک دهه دیگر به بمب اتمی دست نخواهد یافت" در حالیکه برآورد قبلی همین منابع ۵ سال بود که در این گزارش دو برابر شده است. هفته نامه نیوزویک نیز در تاریخ ۱۵ اگوست در مطلبی حول بررسی وضعیت جمهوری اسلامی از قول اداره "ارزیابی اطلاعات ملی" با ارائه

